

بررسی جامعه شناختی تأثیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ورامین)

مسعود دارابی^۱

ناصر رضاپور^۲

سهیل موسی رضایی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

مشارکت، یکی از موضوعات مهمی است که در حوزه های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی به آن توجه خاص می شود. امروزه افراد به عنوان یک گروه تاثیرگذار در مشارکت، نقش مهمی در تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارند. در این میان، عوامل تاثیرگذار مهمی همچون پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی وجود دارند که می توانند میزان مشارکت را بالا ببرند. هدف پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی، کمک به افراد در معرض آسیب اجتماعی یا آسیب دیده اجتماعی شامل زنان و دختران در معرض آسیب، زنان سرپرست خانوار، زوجین متقاضی طلاق و افراد فاقد مهارت های زندگی و سایر افرادی که به نوعی با بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی رو به رو شده اند می باشد. به منظور دست یابی به این هدف، از بین عوامل و متغیرهای گوناگونی که بر مشارکت اجتماعی تاثیرگذارند، متغیرهای اعتماد اجتماعی، حقوق شهروندی، ارتقای مهارت و بسیج اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شدند. مبانی نظری متغیرها و پارامترهای این پژوهش، بر مبنای نظریات پاتنام، لرنر، گیدنز، زومکا و پارسونز تدوین شده است

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها، پرسش نامه دارای قابلیت اعتماد و اعتبار است. جامعه آماری پژوهش، جوانان ۱۸ سال و بالاتر مناطق دو گانه شهر ورامین (دهوین و ده شریفا)

E-mail: Masuod.darabi@gmail.com

۱. دکترای جامعه شناسی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری، جامعه شناسی سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد جامعه شناسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

در سال ۱۳۹۶ می باشد. حجم نمونه ۴۰۰ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران و به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به دست آمد. روش اصلی در تحلیل داده ها، رگرسیون و تحلیل مسیر است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در کل میانگین مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ۳/۲۱ بوده که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می باشد، نشان می دهد که مشارکت اجتماعی در بین مردمان منطقه تقریباً در حد متوسط روبه بالاست. همچنین بر اساس نتایج تحقیق، میان مشارکت اجتماعی و متغیرهای پایگاه خدمات اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جنسیت، درآمد، تحصیلات و نوع شغل رابطه معنادار وجود داشت، اما بین متغیرهای سن و وضع تاهل با مشارکت اجتماعی رابطه وجود ندارد. از میان این متغیرها، پایگاه خدمات اجتماعی دارای قوی ترین رابطه با متغیر وابسته است. چهار متغیر پایگاه خدمات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سن وارد معادله رگرسیون شده اند. ضریب تعیین گزارش شده برابر ۰/۳۸۷ است. بنابراین متغیرهای فوق به طور کلی بیش از ۳۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نمایند.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی

مشارکت و همکاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان ادامه حیات بشری در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این مهم این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد تا در سرنوشت خود و چگونگی محقق شدن تصمیمات حیاتی، نظارت کنند و اثرگذار باشند. اما بحث از مشارکت می‌باید با این پیش فرض همراه گردد که از یک سو مفهوم مشارکت در طول سالیان پشت سر گذاشته شده، با دگرگونی‌های مختلفی همراه بوده است و از سویی دیگر، تحقق مفهوم مشارکت به معنای جامعه‌شناختی آن، تنها در قالب جوامع برخوردار از شهروندی و به طبع آن نهادهای مدنی شکل خواهد گرفت؛ جوامعی که مشارکت را «دخالت مستقیم افراد در تصمیم‌گیری اجتماعی می‌دانند تا حقوق و آزادی‌های افراد از گزند تصمیم‌های گروه‌های کوچک و دور از دسترس و اغلب ناشناس در امان بماند» (آشوری، ۱۳۷۳). اما در دیدی وسیع‌تر مشارکت را می‌توان روند درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و احساس مسئولیت نسبت به این سرنوشت دانست. تقویت شهروندی و مشارکت شهروندان برای تشکیل انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای داوطلبانه و غیردولتی به عنوان حقوق اولیه شهروندی، از مظاهر مهم مشارکت اجتماعی به شمار می‌آید. مشارکت اجتماعی، فرایندی مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری آگاهانه و داوطلبانه است که شرکت همه افراد ذی نفع را در تمام ابعاد برنامه ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل و تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف در بر می‌گیرد. براساس نظریه‌های مشارکت و توسعه، مشارکت به عنوان یک کالای خوب که حیطة ای از منافع فردی و جمعی را عرضه می‌کند، ترسیم می‌شود. در سطح فردی، تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت، سرمایه اجتماعی (به معنای ارتباطات و گره‌های اجتماعی) و نیز اعتماد به نفس و احساس خودمختاری مردم را افزایش می‌دهد و در بهزیستی‌شان سهم دارد. به نظر اوکلی، مشارکت با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی در جهت تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن موثر است. همچنین، مشارکت اجتماعی از طریق سازماندهی گروه‌ها، سرمایه اجتماعی و عمومی جامعه را گسترش می‌دهد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۱۰۸).

عوامل تاثیرگذار مهمی وجود دارند که می‌توانند میزان مشارکت را بالا ببرند که از آن میان می‌توان به نقش و عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی اشاره کرد. پایگاه خدمات اجتماعی، مکانی دولتی یا غیردولتی است که در سکونتگاه واقع شده است و کلیه اقدامات اجرایی از طریق آن ارائه می‌شود. این

مکان می تواند شامل مراکز دولتی نظیر سازمان بهزیستی یا کلینیک های مددکاری اجتماعی، سازمان های غیردولتی و منابع موجود محلی از قبیل فرهنگ سرا، مسجد، مدرسه، پایگاه مقاومت بسیج و ... باشد. در این راستا، کلینیک مددکاری اجتماعی سرش با مجوز رسمی از سازمان بهزیستی استان تهران (دفتر آسیب های اجتماعی) مأموریت دارد تا در منطقه های ورامین- از جمله امرآباد و دهوین، ده شریفا- از طریق ایجاد پایگاه خدمات اجتماعی به جامعه هدف سازمان بهزیستی ارائه خدمت نماید. هدف پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی کمک به افراد در معرض آسیب اجتماعی یا آسیب دیده اجتماعی شامل زنان و دختران در معرض آسیب، زنان سرپرست خانوار، زوجین متقاضی طلاق و افراد فاقد مهارت های زندگی، کودکان خیابانی، کودکان کار، کودکان بد سرپرست، کودکان بی سرپرست، کودکان بازمانده از تحصیل، بچه های طلاق، کودکان دارای والدین معتاد و کلیه کودکان منطقه مورد نظر و سایر افرادی که به نوعی با بحران های فردی، خانوادگی و اجتماعی رو به رو شده اند، می باشد.

از این رو، در این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال هستیم:

آیا بین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی با میزان مشارکت اجتماعی مردمان منطقه شهر ورامین (دهوین و ده شریفا) رابطه معنادار وجود دارد؟

در پایان راهکارهایی اجرایی جهت افزایش این نوع مشارکت را بیان خواهیم نمود.

پیشینه تجربی پژوهش

در ایران مطالعات متعددی در حوزه مشارکت صورت گرفته است. برای نمونه، عطا فر و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند با افزایش مهارت های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران، میزان مشارکت اجتماعی دانش آموزان نیز ارتقا می یابد. از طرفی، میانگین مشارکت اجتماعی دانش آموزان بر حسب میزان به کارگیری مهارت های مدیریت تنوع دینی- مذهبی و بر حسب میزان به کارگیری مهارت های مدیریت تنوع قومی- نژادی نیز متفاوت و معنادار بوده است.

اسدالهی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، وضعیت تأهل و تقدیرگرایی از دیگر متغیرهای موثر بر مشارکت هستند.

مظلوم خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، داشتن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایت مندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه معناداری دارند. نتایج پژوهش سروش و افراسیابی (۱۳۸۹) نشان داد میزان تحصیلات بر میزان مشارکت تأثیر داشته است. کسانی مشارکت اجتماعی بیشتری می‌کنند که کیفیت روابط بالاتر و از حمایت‌های بیشتری داشته‌اند و بیشتر به هنجار عمل متقابل اعتقاد داشته باشند. به علاوه، جوانانی که دارای هویت ملی و دینی قوی‌تر و هویت جنسیتی مدرن‌تری هستند، مشارکت بیشتری دارند.

نوابخش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سن و وضعیت تأهل افراد با میزان مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) نشان داد که تمامی متغیرهای تحقیق، به غیر از جنسیت و مشارکت رسمی با شادی رابطه دارند. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره نیز گویای آن است که متغیرهای رضای نیازها، اعتماد به دیگران و مشارکت اجتماعی غیر رسمی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر شادی دانشجویان دارند.

نوروزی، و بختیاری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن» که به شیوه پیمایشی با حجم نمونه ۴۰۰ نفر از ساکنان ۳۰ تا ۶۰ ساله‌ی شهرستان خدابنده انجام شد، به بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد پرداختند. متغیر مستقل در این پژوهش سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده - نگری، بیگانگی سیاسی - اجتماعی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی بود که تأثیر این عوامل بر متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی - سیاسی سنجیده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین میزان عام‌گرایی، تقدیرگرایی و آینده نگری افراد و میزان مشارکت آنها ارتباط معناداری وجود ندارد، اما بین میزان بیگانگی اجتماعی - سیاسی، میزان اعتماد، میزان تعلق اجتماعی، میزان شیوه اقلان‌گری تربیتی، میزان استفاده از رسانه‌های گروهی و طبقه اجتماعی با مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد ارتباط معناداری دیده می‌شود. البته رابطه بیگانگی اجتماعی - سیاسی و مشارکت معکوس است؛ به این معنا که با افزایش بیگانگی اجتماعی - سیاسی، مشارکت کاهش

می‌یابد. همچنین بر اساس تحلیل رگرسیونی، تعلق اجتماعی وزن مهم‌تری را در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی - سیاسی دارد.

محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) مطالعه‌ای را با عنوان «مشارکت اجتماعی در ایران» به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور در سطح ملی در باره برخی از ابعاد روابط و مشارکت اجتماعی در ایران انجام دادند. این طرح بخشی از طرح ملی بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران (محسنی ۱۳۸۱) است که در ۱۵ شهر کشور انجام شده است. اهداف این پژوهش، بررسی ارتباط عوامل گوناگون جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با سطح مشارکت اجتماعی افراد، یعنی همکاری با نهادها و انجمن‌های علمی و فرهنگی، همکاری با نهادهای اجتماعی نظیر اصناف، باشگاه‌ها و همکاری با نهادهای نوین مبتنی بر انقلاب اسلامی نظیر انجمن‌های اسلامی و جهاد دانشگاهی بوده است. تعداد افراد نمونه در ۱۵ شهر ۳۵۴۰ نفر بوده است. اطلاعات از طریق پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مشارکت مردم به ترتیب در انجمن‌های علمی و فرهنگی، انجمن‌خانه و مدرسه و اصناف در ایران بسیار ضعیف است. با افزایش کاربرد رسانه‌ها، سطح سواد و اطلاعات عمومی و اعتقاد کم‌تر به جبرگرایی، ارتباط با انجمن‌های علمی و فرهنگی، نهادها و گروه‌های اجتماعی بیش‌تر می‌شود. وضع اشتغال و دسته‌شغلی، عامل موثری بر میزان مشارکت افراد با انجمن‌های علمی و فرهنگی و نهادها و گروه‌های اجتماعی است. مشارکت فرهنگی و علمی افراد طبقه بالا بیشتر از طبقات پایین است. عوامل فرهنگی بیش از عوامل اقتصادی در مشارکت افراد با گروه‌ها نقش دارند. به‌طور کلی دامنه مشارکت اجتماعی در ایران محدود است. سطح سواد، نوع اشتغال و جنسیت با مشارکت اجتماعی نشان از رابطه و تفاوت معناداری دارد.

رویست و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ۶۳ درصد دانش‌آموزان با اظهار نظر در کلاس و ۵۸ درصد در سازماندهی و انتظامات مدرسه مشارکت خود را بروز می‌دهند. دانش‌آموزان با سنین کمتر، مشارکت بیشتری دارند. علاوه بر آن، مشارکت با موفقیت تحصیلی، سلامتی، احساس رضایت از زندگی و نشاط دانش‌آموزان ارتباط دارد (Roiste & et al., ۲۰۱۲).

باب پرایس (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مدنی» با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر از رهبران انجمن‌های داوطلبانه در تگزاس، نتیجه گرفت که علیرغم تأکیدات

بر نقش فرهنگ و ارزش ها در چنین فعالیت هایی، متغیرهای اقتصادی در متاثر ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمن ها، اهمیت بسیاری دارد.

ایوان اسکوفر و ناریون گوریناس (۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان «زمینه های ساختاری مشارکت مدنی مطالعه عضویت در انجمن های داوطلبانه با دیدگاهی تطبیقی» عضویت در انجمن ها را در ۳۲ کشور، با استفاده از روش تحلیل داده های ثانویه آزمون کرده اند و آن را تحت تاثیر تفاوت بین ساختار دولت ها، نهادهای سیاسی و فرهنگ سیاسی ملت ها دانسته اند. این متغیرها، هم میزان مشارکت و هم نوع انجمن هایی که افراد در آن فعالیت می کنند (جنبش های جدید یا قدیمی) تعیین می نمایند.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

تالکوت پارسونز^۱

اگر مشارکت اجتماعی را نوعی کنش توسط افراد جامعه در نظر بگیریم، می توانیم آن را با استفاده از نظریه کنش پارسونز مورد بررسی قرار دهیم. در تحلیل کنش در سطح خرد، پارسونز معتقد است که هر عملی که از انسان سر می زند، سه خصلت عمده دارد:

خصلت اورگانیکستی، یعنی هر کنشی در جهت پاسخ به نیازی زیستی است؛

خصلت شخصیتی، یعنی هر کنشی تحت تاثیر شخصیت فرد است؛

خصلت فرهنگی، یعنی هر کنشی صبغه فرهنگی دارد و تحت تاثیر فرهنگ جامعه است.

پارسونز ارگانیکسم رفتاری را که دارای سه گرایش هنجاری، ارزیابی، و ادراکی یا شناختی است، نخستین منشأ کنش می داند. اورگانیکسم وسیله ای است که انسان به وسیله آن با محیط ارتباط پیدا می کند و کارکرد آن، فراهم کردن عوامل تطابق انسان با محیط است. به نظر پارسونز، به دلیل آن که نوزاد انسان در یک نظام فرهنگی^۲ متولد می شود، این اورگانیکسم در برخورد با فرهنگ و پذیرش مجموعه باورها، ارزش ها و هنجارهای نظام فرهنگی، آن ها را درونی می کند (از طریق زندگی در میان اعضای خانواده، کسب تحصیلات در گروه های آموزشی، یادگیری باورها و ارزش ها درباره فایده های مشارکت در امور اجتماعی و همکاری و از این دست مفاهیم) و با درونی شدن ارزش ها و هنجارها، نظامی شخصیتی شکل می گیرد که کارکرد آن هدف یابی است. وقتی نظام شخصیتی شکل گرفت، دیگر انسان نه از اورگانیکسم، بلکه از شخصیت خود پیروی می کند و شخصیت بر ارگانیکسم مسلط می شود. (روشه: ۱۳۷۷، ۱۶۸) به عقیده پارسونز، دو عنصر محیط فیزیکی و ارزش های غایی نیز بر کنش اثر می گذارند. محیط ارگانیک- فیزیکی، تسهیلات محیطی را برای فرد فراهم می کند (نظیر امکانات

^۱ - Parsons-Talcott

^۲ - Cultural System

موجود در هر خانواده، محله، و منطقه زندگی مثل وجود سازمان ها و نهادهای مشارکتی، ارزیابی از وجود این امکانات و نبودن آن به عنوان مانع مشارکت) و ارزش غایی نیز نمادی ناظر بر آینده است (نظیر امید به آینده و بهبود شرایط با فعالیت فرد). در بین عناصر مطرح شده، عنصری که میزان اطلاعات آن بالاتر است، کنترل بیش تری بر کنش دارد و آن را از بالا به پایین مورد توجه قرار می دهد. بر این اساس، محیط طبیعی، اورگانسیم رفتاری، نظام شخصیتی و در نهایت ارزش های غایی، به ترتیب کاملترین اطلاعات و بیش ترین انرژی را دارند. از نظر پارسونز، انسان در کنش خود آزاد است و کنش نیز گرچه تا حدی ارادی و اختیاری است، ولی آزاد مطلق نیست و کنش گر تحت شرایط ساختاری در جامعه عمل می کند. بنا براین، عوامل و شرایط سطح کلان، کنش انسان را مقید و مشروط می کند و نتیجه این است که انسان هر چند در اعمال خود مقید به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، می تواند با کنش خود این ساختارها را تغییر دهد. (یزدان پناه به نقل از کرایب، ریتزر، توسلی، ۱۳۸۷) «پارسونز منشأ هر رفتار را تمایلاتی نیازی می داند که طی فرآیند اجتماعی شدن^۱ شکل می گیرند و انگیزه های کنش را می سازند. یک دسته از این تمایلات نیازی، تمایلاتی است که کنش گران را وادار می کند در روابط اجتماعی شان به دنبال تأیید و عشق بروند و دسته دیگر، ارزش های ملکه ذهن شده ای است که شخص را وادار می کند معیارهای گوناگون فرهنگی را رعایت کند» (روشه، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

بنابراین، تمایل به کسب پاداش های مادی و معنوی، از یک سو و تمایل به رعایت ارزش های فرهنگی و اجتماعی، از سوی دیگر منشأ کنش اند. پارسونز ارزش های فرهنگی و اجتماعی را که در عمل، سازنده شرایط ساختی کنش اند، زیر عنوان متغیرهای الگویی دسته بندی می کند و منظور وی از متغیر، انتخاب یک گونه از دو گونه ای است که کنش گر باید یکی از آن دو را انتخاب کند. از نظر پارسونز، ترکیب الگوها و جهت گیری های ارزشی که به وسیله کنش گر در زمان اجتماعی شدن به دست می آید، تا اندازه زیادی نتیجه کارکرد ساختار بنیادین جامعه و ارزش های مسلط نظام اجتماعی است. بنابراین از نظر وی، هر یک از عوامل ساختاری سطح کلان مانند اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و سطح توسعه، به روش تأثیرگذاری بر ترکیب متغیرهای الگویی، مشروط کننده کنش است. از سوی دیگر، او معتقد است که کنش نیز به طور متقابل بر ساختار جامعه تأثیر می گذارد و تغییردهنده شرایط ساختاری است. این تغییرات در جهت تفکیک پذیری و انسجام نظام اجتماعی، شکل گیری ارزش ها و اجتماع عام و افزایش توان و ظرفیت تطابق جامعه با محیط صورت می گیرد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۶۲). در مورد ترکیب متغیرهای الگویی در جوامع مختلف، پارسونز معتقد است که هرچه جامعه به طرف صنعتی شدن پیش می رود، گرایش به جهت گیری جمعی در مقابل جهت گیری فردی، فعال گرایی در مقابل انفعال گرایی، خردگرایی در مقابل عاطفه گرایی و عامگرایی در مقابل خاص گرایی بیش تر می شود. به عبارت دیگر، پارسونز خصوصیات جوامع مدرن را وجود عناصری چون عامگرایی، فعال گرایی،

۱- Socialization

آزادی و عقل گرایی می‌داند. (ازکیا، ۱۳۸۶: ۹۷) بر اساس نظریه پارسونز، افراد مشارکت جو دارای ویژگی هایی چون عامگرایی، فعال گرایی، خردگرایی، امیدوار به آینده و دارای احساس مسئولیت نسبت به جامعه و افراد آن هستند که نمود آن را می‌توان در عضویت در سازمان های غیر دولتی، خیریه، انجمن های علمی و فرهنگی و.... مشاهده نمود.

یورگن هابرماس^۱ (حوزه عمومی و مشارکت)

هابرماس سه نوع کنش را از هم تفکیک می‌کند: کنش ابزاری^۲، کنش استراتژیک^۳ و کنش ارتباطی^۴. کنش ابزاری، دارای موقعیتی غیر اجتماعی است و در سطح بین فردی عقلانیت ابزاری را همراه می‌آورد؛ یعنی جستجوی سود و به پیش بردن منافع شخصی. اگر از زاویه میان یک شناسنده (سوژه) و یک شناسا (ابژه) دست به کنش بزنیم، گرفتار خرد ابزاری شده و دست به کنش ابزاری زده ایم (کرایب، ۱۳۸۰: ۳۰). کنش استراتژیک یا راهبردی و کنش ارتباطی هر دو دارای موقعیت اجتماعی اند. کنش استراتژیک کنش هدفدار-عقلانی است که به عمل دو یا چند فرد مربوط می‌شود که در تعقیب یک هدف، کنش معقولانه هدفدارشان را هماهنگ می‌کنند. مانند کنش هایی که در درون سازمان ها صورت می‌گیرد و این نوع در جستجوی موفقیت است در حالی که در کنش ارتباطی افراد به دنبال موفقیت شخصی شان نیستند، بلکه اهدافشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی شان را بر مبنای تعریف هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند و این واکنش عقلانی و بنیادی است و توجه به آن سبب می‌شود که در آن همه به ابزارهای خرد، فرصت مشارکت در بحث، طرح نظرات و مشارکت در تصمیم‌گیری نهایی دسترسی پیدا کنند. این نوع کنش در جستجوی تفاهم است. توافقی که در ضمن کنش ارتباطی حاصل شده مبنایی عقلانی دارد، زیرا هیچ یک از طرفین نمی‌توانند آن را تحمیل کنند (کرایب، ۱۳۸۰: ۳۰۱). هابرماس فضایی که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد را حوزه عمومی^۵ می‌نامد. منظور وی از حوزه عمومی، عرصه و قلمروی از حیات اجتماعی انسان هاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. زمانی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد بدون قید و بند - یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار - با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت یک پیکره عمومی رفتار می‌کنند. تعبیر افکار عمومی، به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیر رسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۲). هابرماس حوزه عمومی را

^۱ - Jurgen-Habermas

^۲ - Instrumental action

^۳ - Strategic action

^۴ - Communicative action

^۵ - Public Area

یکی از مقوله‌های جهان مدرن یعنی جامعه بورژوازی^۱ می‌داند. او استدلال می‌کند که حوزه عمومی اساساً شبکه‌ای از ارتباطات است که افراد و گروه‌ها برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی جهت مبادله مبانی بین خود استفاده می‌کنند. حوزه عمومی بر خلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد.

اهمیت تأکید هابرماس بر حوزه عمومی به عنوان مجرای شکل‌گیری هویت جمعی و علایق عمومی اساساً ناشی از تشخیص این نکته است که استمرار حیات جامعه وابسته به عملکرد صحیح ساختارهای ارتباطی است که در غیاب نفوذ فراگیر سنت و عوامل سنتی ایجاد کننده مشروعیت و یکپارچگی اجتماعی و توافق بر سر آنچه علایق عمومی و منافع جمعی خوانده می‌شود را ممکن می‌کند.

هابرماس درباره رابطه شکل‌گیری هویت جمعی «ما» با بحث و گفتگو در مجامع و گروه‌ها و انجمن‌های جامعه و حوزه عمومی به طور کلی، در موارد مختلف تأکید کرده و شکل‌گیری هویت را اساساً فعالیت جمعی و توأم با بحث و گفتگوی استدلالی و همراه با اقتباس نقادانه از سنت و علوم و فلسفه می‌داند. عمل و گفتار جمعی است که علایق جمعی و هویت جمعی را شکل می‌دهد (رضایی، ۱۳۷۵: ۶۲). مضمون اصلی بیشتر آثار هابرماس عبارت است از: مشارکت در تدوین و ارائه سیمایی واضح از یک جامعه جهانی بهتر؛ جامعه‌ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادت، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد.

به طور کلی منظور هابرماس بر اساس امکانات و تسهیلات وجود سازمان‌ها، انجمن‌ها و مجامع جامعه مدنی است، چرا که اینگونه سازمان‌ها مهمترین ابزار واسطه‌ای میان دولت و افراد جامعه می‌باشند که به عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می‌شوند- در واقع، دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکانپذیر است (الموند^۲، ۱۹۶۵: ۲۴۵).

دانیل لرنر^۳

دانیل لرنر در نیمه دوم قرن بیستم با رویکرد جامعه‌شناختی - روان‌شناختی گذار جوامع از مرحله سنتی به مدرن را در منطقه خاورمیانه مورد مطالعه قرار داده و ارتباط متقابل بین متغیرهای روانی همچون: همدلی، برخوردار شدن از شخصیت انتقالی و متغیرهای جامعه‌شناسی نظیر سطح تحصیلات، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت را مورد بررسی قرار داده است. به نظر او جامعه جدید یک جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت جویانه است. به نظر وی، مشارکت در حوزه اقتصادی به فعالیت در بازار و افزایش درآمد، مشارکت سیاسی به شرکت در انتخابات، مشارکت فرهنگی به بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و مشارکت روانی به همدلی و تحرک روانی منجر

۱- Bourgeoisie

۲- Almond

۳- Daniel Lerner

می شود. در اندیشه لرنر، بین متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات، دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت ارتباط متقابل وجود دارد (لرنر، ۱۹۵۸ : ۸۶ به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶ : ۵۰).

نظریه سیمورمارتین - لیپست^۱

لیپست از دیگر نظریه پردازان نوسازی نیز در مدل خود می‌کوشد براساس متغیرهای اجتماعی پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویای اجتماعی تبیین کند. مدل لیپست بر آن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را براساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن تبیین کند. وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات میان کشورهای مختلف (آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و ...) این الگو را در کشورهای مذکور کم و بیش یکسان می‌بیند و معتقد است در کلیه این کشورها میزان مشارکت در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیلکرده، متأهلان، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶ : ۵۴). افراد با درآمد پایین در انتخابات شرکت می‌کنند و کارگران و معدنچیان بیشتر از کشاورزان در امور شهری و جامعه‌ای مشارکت دارند.

می‌توان سوال کرد که علت مشارکت اجتماعی بیشتر طبقات بالاتر چیست؟ جامعه‌شناسان پاسخ‌های مختلفی به این سوال داده‌اند؛ از جمله اینکه اعضای طبقات بالا در مشاغل کار می‌کنند که بعد اجتماعی قوی‌تری دارند که علاقه و مهارت‌های آنان را افزایش می‌دهد. همچنین، به علت داشتن سطح تحصیلات بالاتر، آگاهی سیاسی و اجتماعی بیشتری دارند و در نتیجه علاقه بیشتری به مشارکت اجتماعی نشان می‌دهند، در حالی که اعضای طبقات اجتماعی پایین‌تر، از همه این موارد محروم هستند و در نتیجه میزان مشارکت آنها کمتر خواهد بود.

آلموند و پاول

آلموند و پاول ضمن تاکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، درباره اثرات پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند که بیش‌تر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای احتمال بیش‌تری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌های که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند می‌تواند آنها را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند. در نتیجه این بررسی‌ها، شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند. کوئن در مورد تاثیر طبقه اجتماعی افراد بر مشارکت

^۱ Lipset

اجتماعی آنان معتقد است معمولاً هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیری در فعالیت های اجتماعی بیش تر است. به نظر وی سطح مشارکت فعال در باشگاه های اجتماعی، انجمن های شهری، انجمن های خانه و مدرسه و سازمان های سیاسی در میان اعضای طبقات پایین نازل تر است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۸۵).

تئوری های مربوط به حوزه اعتماد اجتماعی^۱

تئوری زتومکا^۲

زتومکا (۱۹۹۹) در بحث اعتماد اجتماعی، تئوری «صیوروت اجتماعی»^۳ فرهنگ اعتماد را مطرح می کند و معتقد است که ظهور فرهنگ اعتماد با مقداری از فرهنگ اعتماد فطری و ذاتی یعنی سنت اعتمادیابی اعتمادی شروع می گردد. پس از آن، شرایط ساختاری واقعی (شامل همبستگی هنجاری، ثبات و نظم اجتماعی، شفافیت، انس و آشنایی و در نهایت پاسخگویی یا فقدان هر یک از آنها) احتمال تجارب مثبت و با ارزش اعتماد و نیز برآورد و یا نقض شروط اعتماد را افزایش و یا کاهش می دهند. این شرایط بسته به استعداد کنشگران، فرصت های ساختاری را برای پذیرش و یا نادیده گرفتن آسان تر مخاطره اعتماد فراهم و یا مانع می گردند. (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۳۶) خلیقات اجتماعی که به عنوان پیامدهای جمعی نشانگان های شخصیتی اعتمادپذیری و یا شک و تردید که برای اعضای گوناگون جامعه به صورت مختلفی ظاهر می شوند، می توانند موجب ترغیب و یا سد راه تبلور فرهنگ اعتماد گردند. به همین ترتیب سرمایه جمعی که به عنوان مجموعه ای از منابع گوناگون در تصاحب اعضای جامعه ظاهر می شوند، در صورتی که به اندازه کافی غنی باشد، امنیت بیمه و گزینه های پشتیبان را فراهم می کند و در صورت فقر سرمایه جمعی، ناامنی، عجز و ناتوانی را به بار می آورد که در نتیجه محرک و یا مانع ظهور اعتماد و فرهنگ اعتماد می شود.

به نظر زتومکا، اعتماد اجتماعی پایین در یک جامعه منجر به انزوا و دوری اعضای جامعه از همدیگر می شود و میزان بیگانگی اجتماعی را افزایش می دهد. پارسونز عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی را اعتماد می داند. به عقیده وی، اعتماد این باور را در افراد ایجاد می کند که دیگران به منظور دستیابی به موفقیت گروهی از منافع شخصی دست می کشند. اعتماد این انتظار را موجب می شود که دیگران به تعهدات و مسئولیت شان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک نمایند. وی نظام منسجم را نظامی می داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایف شان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می کند (انعام، ۱۳۸۰: ۲۵). به عبارت دیگر، در جوامع سنتی، اعتماد درون گروهی و یا سرمایه اجتماعی قدیم و در جوامع جدید و مدرن، اعتماد برون گروهی یا سرمایه اجتماعی جدید حاکم است.

^۱ Social Trust

^۲ - Sztompka

^۳ -Social Becoming

تئوری گیدنز^۱

از نظر گیدنز جوامع امروزی برای پیشرفت نیازمند مفهوم اعتماد هستند. مفهوم اعتماد تنها به معنای اعتماد به یک شخص خاص نیست، بلکه شامل سازمان ها و نهادهای بزرگتر از جمله نظام های تخصصی می گردد؛ به طوری که این گونه روابط در گذشته بدین وسعت و گستردگی وجود نداشته است. اعتماد به شیرازه زمان و مکان مربوط می شود. همچنین، نظریه پردازانی مانند گیدنز، بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا در حالی که کنشگر می تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه ها و شایستگی های او می تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده ها و باورهایی باشد. (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴) از نظر گیدنز اعتماد شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی و از مولفه های مدرنیته است. در فرهنگ های سنتی چهار زمینه محلی شامل خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان شناسی مذهبی یا دین در ارتباط با اعتماد غالب هستند. طبق نظر گیدنز، منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده اند. گیدنز ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می داند که رابطه ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. گیدنز اعتماد را در جوامع دوره پیش از مدرن^۲ و دوره مدرن^۳ نه تنها متفاوت، بلکه در تضاد با یکدیگر می داند. به عبارت دیگر، می توان برای فرهنگ هر یک از این جوامع، از محیط های اعتماد و محیط های مخاطره یاد کرد. در دوره پیش از مدرن، اعتماد محلی^۴ از اهمیت زیادی برخوردار بوده که این امر زمینه عمومی و جهت گیری کلی اعتماد را در این جوامع نشان می دهد. در جوامع مدرن، اعتماد بین مردم کاهش یافته و زمینه عمومی و جهت گیری کلی اعتماد در آن مبتنی بر روابط اعتماد نظام های انتزاعی و تخصصی است که از نظر گیدنز دارای ویژگی از جاکنندگی^۵ یا بی ریشگی در دنیای مدرن هستند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

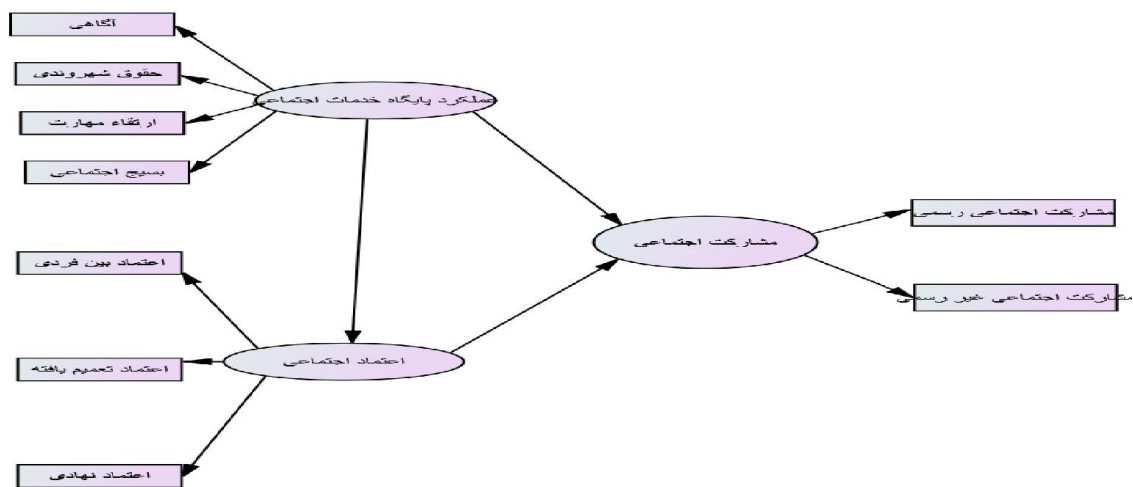
رابرت پاتنام^۶

پاتنام در کتاب «دموکراسی و سنت های مدنی» اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار می دهد. وی معتقد است که شایع ترین شکل سرمایه اجتماعی، اعتماد است که با عنوان «منابع اخلاقی» شناخته می شود؛ منابعی که ذخیره شان در حین استفاده به جای کاهش، افزایش می یابد و در صورت

^۱ - Giddens
^۲ - Pre modern
^۳ - Modern
^۴ - Local Trust
^۵ - Disembedding
^۶ - Robert Putnam

عدم استفاده کاهش می‌یابد. به زعم وی، هر چه دو نفر بیش‌تر به یکدیگر اعتماد کنند، اعتماد متقابل‌شان فزونی می‌یابد (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۰، ۲۹۰). به نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارهایی که اعتماد را تقویت می‌کنند، توسعه می‌یابند، چرا که هزینه‌های معاملات را کاهش می‌دهند و همکاری را تسهیل می‌کنند. مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل است. معامله متقابل دو نوع می‌باشد: نوع اول، مبادله متوازن خوانده می‌شود که در این نوع مبادله چیزهای با ارزش به طور همزمان مبادله می‌شوند مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل‌شان را با هم عوض می‌کنند. نوع دوم، معامله متقابل عمومی است که به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است، اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده پرداخت شود. برای مثال، دوستی اغلب به معامله متقابل عمومی تبدیل می‌شود. هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند، معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را دارا می‌باشد: دوستی کوتاه مدت و حفظ منافع خود در بلند مدت. به عقیده پاتنام، یک هنجار موثر مبتنی بر معامله متقابل عمومی احتمالاً با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است. در جوامعی که در آنها مردم می‌توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام مبادلات وجود دارد. مبادلات مکرر در طی یک دوره زمانی نیز به نوبه خود، توسعه یک هنجار معامله متقابل عمومی را به دنبال دارد. از سوی دیگر، روابط اجتماعی مداوم نیز می‌تواند انگیزه‌هایی را برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها اساساً افقی هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر شبکه‌های عمودی می‌باشند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند می‌دهند. البته در جهان واقعی تقریباً همه شبکه‌ها مخلوطی از عمودی و افقی هستند. به نظر وی، شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرود خوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و... کنش افقی شدید را به نمایش می‌گذارند. هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیش‌تری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۰، ۲۹۸-۲۹۳) که نتیجه آن افزایش میزان اعتماد در جامعه است

مدل نظری پژوهش



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

فرضیه های پژوهش

- بین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات گیدنز، پاتنام)
- بین ارتقای آگاهی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات لرنر، گیدنز)
- بین حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات هابرماس)
- بین ارتقای مهارت و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات لیپست)
- بین بسیج اجتماعی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات لرنر، گیدنز)
- بین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی و میزان اعتماد اجتماعی مردم منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات زتومکا، گیدنز)
- بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. (نظریات لیپست، پاول)
- بین متغیرهای زمینه ای (جنسیت، سن، تحصیلات و درآمد) و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. (نظریات لیپست، پاول)

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه تجزیه و تحلیل داده ها، توصیفی و همبستگی می باشد و هدف آن شناخت و توصیف وضعیت مشارکت (متغیر وابسته) در جامعه آماری مورد مطالعه و

تعیین رابطه آن با ویژگی های اجتماعی- فردی و مولفه های بیگانگی اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی، اعتماد و رسانه ها (متغیر مستقل) می باشد. بنابراین از لحاظ روش گردآوری داده ها از دو روش اسنادی (کتابخانه ای) و روش میدانی (پیمایش و مصاحبه) استفاده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین جامع چارچوب نظری تحقیق، مطالعات انجام گرفته قبلی و نظریه های جامعه شناسی در تحلیل مشارکت و صور آن بررسی شده است و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریه های مرتبط با موضوع از یک طرف و شناخت وضعیت فعلی جامعه، تدوین شاخص ها و متغیرهای تحقیق انجام گرفته است.

تعریف نظری و عملی مفاهیم و چگونگی اندازه گیری متغیرها

مشارکت

الف) تعریف مفهومی: «مشارکت به معنی سهمی در چیزی یافتن و یا از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است» (بیرو، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است. مشارکت عبارت است از: میزان دخالت اعضای نظام در فرآیند تصمیم گیری. در حقیقت جوهر مشارکت، منابع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه است (لهسایی زاده، ۱۳۸۰: ۱).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش متغیر مشارکت از دو بعد مشارکت اجتماعی رسمی و مشارکت اجتماعی غیر رسمی استفاده شد. پرسشنامه به صورت محقق ساخته تدوین و سوالات هر مولفه بر اساس طیف لیکرت به صورت پنج گزینه ای طراحی شد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۸).

در ارتباط با مفهوم سازی مشارکت، گویه هایی برای سنجش هر یک از ابعاد ذکر شده در نظر گرفته شد. این گویه ها به صورت تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۱ آمده است.

مشارکت اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: «مشارکت اجتماعی در معنای وسیعی در برگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). مشارکت اجتماعی به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

ب) تعریف عملیاتی: مشارکت اجتماعی را می توان میزان مشارکت مردمان در فعالیت های گروهی و جمعی که در سرنوشت خود آنها اهمیت دارد، دانست. لذا در سنجش آن، به سنجش نگرش پاسخگویان در این زمینه پرداخته شده است. بنابراین برای شاخص مشارکت اجتماعی ۷ گویه در نظر گرفته شده است که از طریق مقیاس لیکرت ساخته شده است.

در ارتباط با مفهوم سازی مشارکت اجتماعی گویه هایی برای سنجش هر یک از ابعاد ذکر شده در نظر گرفته شده اند. این گویه ها به صورت تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: معرف ها، گویه ها و سطح سنجش مشارکت اجتماعی

نحوه سنجش	گویه ها	ابعاد	مفهوم
ترتیبی	انجمن حفظ محیط زیست	رسمی	مشارکت اجتماعی
	تمایل به شرکت در شورای محل سکونت		
	تمایل به عضو شدن در انجمن ها (گروه های صنفی ، باشگاه ها و غیره)		
	همکاری با نهادها مثل سمن ها، هلال احمر، بهزیستی و....		
	شرکت در کارهای خیر و عام المنفعه (مانند کار در موسسات خیریه درمانی، مالی و اجتماعی و مددکاری و یا احداث بناهای خیریه و...)		
	تمایل به مشارکت در فعالیت های علمی، فرهنگی و ورزشی (مانند مدارس، دانشگاه ها، کانون های هنر، کتابخانه ها، اداره ارشاد اسلامی)		
ترتیبی	همکاری در مراسم ازدواج و عروسی و عزا همسایگان و	غیر رسمی	
	همکاری در امور عمومی محله و		
	شرکت در انتخابات هیات مدیره و		
	پیگیری امور محله (آسفالت و		
	تماس با رسانه ها برای رفع مشکل		
	شرکت در هیات و روضه		
	خرید جهیزیه		

اعتماد اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: «اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند و قرین با روابط متقابل تعمیم یافته است» (ازکیا، ۱۳۸۰، ۹). آنتونی گیدنز، اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال ها در بحران ها و در حال و هوایی آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می بخشد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۳).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش اعتماد اجتماعی از سه مولفه (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به غریبه ها، اعتماد به نهادها یا سازمان های دولتی) استفاده گردیده و سوالات هر مولفه بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت اندازه گیری شده است.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرهای اعتماد اجتماعی

مفهوم	ابعاد	گویه ها	سطح سنجش
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین فردی	اعتماد به همسایگان	ترتیبی
		اعتماد به خانواده	
		اعتماد به دوستان و آشنایان	
		اعتماد به فامیل و اقوام و خویشاوندان	
	اعتماد تعمیم یافته	احساس می کنم به این محله تعلق ندارم	ترتیبی
		در جامعه در مقایسه با دیگران احساس نابرابری می کنم	
		به طور کلی به قوانین کشور پایبند هستم	
		امروزه واقعا نمی توان به کسی اعتماد کرد	
		به غریبه ها می توانم اعتماد کنم	
		مردم به قول و قرارهای خود وفادار نمی باشند.	
	اکثر مردم محله من آدم های صادقی هستند		
	اعتماد نهادی	صدا و سیما	ترتیبی
مجلس شورای اسلامی (وضع قوانین)			
سپاه پاسداران			
قوه قضائیه و دادگاه ها (قضاوت عادلانه)			
نیروی انتظامی (ایجاد نظم و امنیت)			
شهرداری و شورای شهر			
احزاب سیاسی			
مطبوعات یا رسانه های داخلی (اطلاع رسانی)			
دانشگاه ها			
سازمان بهزیستی			

عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: مکانی دولتی یا غیردولتی که در سکونتگاه واقع شده است و کلیه اقدامات اجرایی از طریق آن ارائه می شود. این مکان می تواند شامل مراکز دولتی سازمان بهزیستی یا کلینیک های مددکاری اجتماعی، سازمان های غیردولتی و منابع موجود محلی از قبیل فرهنگسرا، مسجد، مدرسه، پایگاه مقاومت بسیج و ... باشد.

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش پایگاه خدمات اجتماعی از مفاهیمی چون: آگاهی، مهارت، حقوق شهروندی و بسیج اجتماعی استفاده شده است و سوالات هر مولفه بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت اندازه

گیری شده است. در ارتباط با مفهوم سازی پایگاه خدمات اجتماعی، گویه هایی برای سنجش هر یک از ابعاد ذکر شده در نظر گرفته شده اند. این گویه ها به صورت تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: معرف ها، گویه ها و سطح سنجش عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

مفهوم	ابعاد	گویه ها	طیف پاسخگویی
پایگاه خدمات اجتماعی	آگاهی	آموزش همگانی در محله ها	ترتیبی
		برگزاری کارگاه آموزشی در زمینه بهداشت، اعتیاد و مواد مخدر، ازدواج و مهارت زندگی و....	
		حقوق شهروندی	
	فراهم نمودن دسترسی آسان به خدمات بهداشتی و درمانی در محله		
	توجه به وضعیت روشنایی معابر در منطقه		
	رعایت بهداشت و قرار دادن زباله در کیسه های سربسته در بیرون منزل در ساعت مشخص		
	توجه به بهبود و ارتقای وضعیت بهداشتی منطقه		
	ایجاد کانال و جدول در خیابان و کوچه ها برای رفع مشکل آب گرفتگی به هنگام وقوع بارندگی		
	توجه به فضای ظاهری (زیباسازی) محله		
	مهارت	ساماندهی وضع اشتغال و ایجاد گسترش فرهنگ واقعی اشتغال	
		شناسایی تخصص ها و استعداد های درخشان در بین دانش آموزان و معرفی آنها به نهادهای دولتی	
	بسیج اجتماعی	اهتمام مجدانه و کارشناسانه برای کاهش قاچاق مواد مخدر و سرقت در محله	
		مشارکت مردم در رعایت بهداشت محله	
		مکاتبه با نهادهای دولتی مثل نیروی انتظامی و شبکه بهداشت و شهرداری و اداره برق و آب و فاضلاب برای رفع مشکلات محله	
		تشکیل کمیته راهبردی پایگاه در جهت رفع مشکلات محله	
		پیگیری مسئول پایگاه در مورد امور عمرانی و بهداشتی و	
		وحدت و انسجام مردم در انجام امور مربوط به محله	
		کمک های مادی و معنوی به نیازمندان شناسایی شده و ..	

اعتبار و روایی ابزار اندازه گیری

در این پژوهش جهت برآورد اعتبار سوالات پرسشنامه، از اعتبار محتوایی استفاده شده است. اعتبار محتوایی به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران می‌باشد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر پژوهشگران از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص گنجانده شده در سوالات پرسشنامه معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند. همچنین برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. به این صورت که تعداد ۶۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه تنظیم شده را تکمیل نمودند. پس از تکمیل، پرسشنامه‌های مذکور کدگذاری و در نرم افزار SPSS وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید که در غالب موارد بیش از ۷۰ درصد و نشان دهنده پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه بود. داده‌ها با نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفت. همچنین برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده گردید.

جدول ۴: ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ		تعداد	متغیرهای پنهان	
مقیاس	خرده مقیاس		خرده مقیاس	مقیاس
۰/۸۲	۰/۸۷	۶	مشارکت اجتماعی رسمی	مشارکت اجتماعی
	۰/۷۲	۷	مشارکت اجتماعی غیر رسمی	
۰/۸۶	۰/۸۱	۴	اعتماد بین شخصی	اعتماد اجتماعی
	۰/۸۵	۷	اعتماد تعمیم یافته	
	۰/۷۷	۱۰	اعتماد نهادی	
۰/۷۵	۰/۷۵	۳	آگاهی	پایگاه خدمات اجتماعی
	۰/۸۳	۶	حقوق شهروندی	
	۰/۷۴	۲	ارتقای مهارت	
	۰/۸۵	۷	بسیج اجتماعی	

جامعه و نمونه آماری و استراتژی نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و اهداف مورد نظر، جامعه آماری تحقیق حاضر شامل گروه سنی ۱۸ سال و بالاتر می‌باشند که با توجه به تعریف جامعه آماری هر یک از افراد این گروه سنی به عنوان واحد آماری محسوب می‌شود. براساس آمار سال ۱۳۹۰، جامعه آماری تحقیق برابر ۲۴۵۲۸ نفر است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰) که از این تعداد، ۱۲۰۷۳ نفر زن و ۱۲۴۵۵ نفر مرد هستند. در این پژوهش با توجه به حجم جامعه آماری (گروه سنی ۱۸ سال و بالاتر) و با استفاده از فرمول ذیل:

که در آن حد مطلوب اطمینان در این پژوهش ۰/۹۵ در نظر گرفته شده، در نتیجه سطح احتمال مورد نظر (d) برابر با ۰/۰۵ و اندازه متغیر در توزیع طبیعی یا ضریب اطمینان (t) برابر با ۱/۹۶ است. برای تعیین واریانس، می‌توان از پیش‌برآورد استفاده کرد. بزرگ‌ترین نمونه لازم برای پاسخ‌گویی به سوالات یک تحقیق وقتی به دست می‌آید که احتمال دارا بودن صفت یا قرار گرفتن در نمونه (p) برابر ۰/۵ باشد. در این صورت، اشتباه استاندارد کم‌ترین مقدار را به خود می‌گیرد. همچنین، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جامعه آماری (N) افراد گروه سنی ۱۸ سال و بالاتر ساکن در شهر ورامین (دهمین) برابر با ۲۴۵۲۸ است. در نهایت، با توجه به داده‌های بالا و فرمول کوکران حجم نمونه (n) برابر با ۳۸۴ نفر تعیین گردید که این مقدار را برای کاهش خطای ناشی از نمونه‌گیری و احتمال ناقص بودن برخی از پرسشنامه‌ها، به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در چند مرحله و با استفاده از نرم افزار اس پی اس^۱ انجام شد و به تناسب سئوالات و فرضیات تحقیق از روش توصیفی یا تبیینی استفاده گردید. در بخش آمار توصیفی با توجه به سطوح سنجش متغیرها، از آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد استفاده گردید و برای ایجاد مفاهیم مورد نظر- زمانی که سطوح سنجش گویه‌ها و سئوالات با هم متفاوت بودند- از طریق استاندارد سازی امکان جمع‌آوری آنها فراهم آمد. در تحلیل دو متغیری نیز بنا به سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها^۲، تحلیل واریانس^۳ و آزمون پیرسون استفاده گردید. به منظور انجام تحلیل چند متغیری و مشخص کردن سهم هر یک از متغیرها در تبیین تغییرات متغیر وابسته، تحلیل رگرسیون چند متغیری انجام و تحلیل مسیر نیز برای تعیین اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بکار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

بر اساس آمار از ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن بوده‌اند. بنابراین جامعه نمونه دارای تناسب در ترکیب جمعیتی می‌باشد که از این تعداد، ۱۸۱ نفر (۰/۲۳ درصد از پاسخگویان) متعلق به گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال می‌باشند. ۱۳۱ نفر (حدود ۰/۳۳ درصد) نیز به گروه سنی ۲۸ تا ۳۷ سال تعلق دارند که نمای این توزیع را می‌سازد. همان‌طور که انتظار می‌رود، کمترین تعداد و درصد پاسخگویان به گروه سنی

^۱ -spss
^۲ -T-test
^۳ -F-test

بالاتر از ۵۸ سال تعلق دارد که ۰/۰۸ درصد است. میانگین سن پاسخگویان، ۳۳ سال می‌باشد که با توجه به نمای توزیع، نشان دهنده غیرنرمال بودن این توزیع است. از لحاظ وضعیت تأهل ۱۸/۷ درصد مجرد، ۷۴/۷ درصد متأهل و ۴/۳ درصد همسر طلاق گرفته و ۲/۳ درصد همسر فوت کرده می‌باشند. مقایسه درصدهای فوق نشان می‌دهد که افراد متأهل با ۷۵ درصد بیشترین تعداد و افراد بدون همسر به دلیل فوت با ۲/۳ درصد کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

از نظر سطح تحصیلات، سطح سواد ۱۳۶ نفر از پاسخگویان (۰/۳۴ درصد) دیپلم ناقص یا کامل تا پیش‌دانشگاهی بوده که نمای توزیع است و بیشترین تعداد و درصد پاسخگویان را شامل می‌شود. تعداد و درصد قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان نیز که ۷۹ نفر (۲۰ درصد) می‌باشند، در سطح فوق دیپلم تا لیسانس بوده‌اند و بقیه پاسخگویان در سایر سطوح تحصیلی توزیع شده‌اند. به نظر می‌رسد که میانگین سواد پاسخگویان، قدری بالاتر از میانگین سواد جامعه آماری باشد. وضعیت فعالیت نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۰/۴۷ درصد خانه‌دار، حدود ۰/۱۲ درصد شاغل تمام وقت و یا نیمه وقت، نزدیک به ۰/۱۵ درصد دانشجو و ۰/۲۳ درصد شغل آزاد و بقیه بیکار بوده‌اند. مقایسه درصدهای فوق نشان می‌دهد که افراد خانه‌دار با ۰/۴۷ درصد بیشترین مقدار بوده و پس از آن افراد با شغل آزاد (۰/۲۳ درصد) قرار دارند. در حدود ۰/۶۰ درصد از پاسخگویان در مناطق دهوین و حدود ۰/۴۰ درصد در منطقه ده شریفا سکونت داشته‌اند. وضعیت درآمد افراد نشان می‌دهد که در حدود ۴۸ درصد از پاسخگویان میزان درآمد خانواده را درآمدی بین ۱ تا ۱/۵ میلیون بیان نموده‌اند. این طبقه به علاوه افرادی که بین ۱/۵ تا ۲ میلیون درآمد دارند و ۱۳/۶ درصد هستند، جمعاً طبقه متوسط محسوب می‌شوند و لذا بیشتر افراد نمونه آماری از نظر درآمدی جزو طبقات متوسط محسوب می‌گردند. میانگین درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان ۱۲۵۰,۰۰۰ هزار تومان است - کمترین میزان درآمد ۴۰ هزار تومان و بیشترین درآمد نیز ۴ میلیون تومان بیان شده است. گفتنی است که شاخص‌های انحراف استاندارد و واریانس مربوط به این متغیر بسیار بزرگ است و بدین معناست که فاصله درآمد پاسخگویان با یکدیگر و لذا فاصله طبقاتی آنان بسیار زیاد است. بر اساس محاسبات صورت گرفته حدود ۰/۰۹ درصد خانواده‌های پاسخگویان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خیلی پایین داشته و حدود ۰/۱۸ درصد از آنان نیز در پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین قرار گرفته‌اند. حدود ۰/۵۹ درصد از خانواده‌ها نیز به پایگاه متوسط تعلق داشتند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی حدود ۰/۱۲ درصد از خانواده‌های مورد مطالعه بالا و ۰/۰۳ درصد خیلی بالا گزارش شده است. بنابراین جمعاً حدود ۰/۲۷ درصد از پاسخگویان در پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۰/۵۹ درصد در طبقه متوسط و ۰/۱۵ درصد نیز در پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا قرار داشتند.

عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

متغیر وابسته پژوهش، پایگاه خدمات اجتماعی است که در چهار بعد آگاهی، مهارت، حقوق شهروندی و بسیج اجتماعی با پرسشنامه محقق ساخته - که سوالات هر مولفه بر اساس مقیاس طیف لیکرت طراحی شده - مورد سنجش قرار گرفته است. گویه های طراحی شده با همدیگر تشکیل پایگاه خدمات اجتماعی را می دهند.

جدول ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب پایگاه خدمات اجتماعی

میانگین	میزان عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی			ابعاد پایگاه خدمات اجتماعی
	کم	متوسط	زیاد	
۳/۳۷	۲۲/۱	۴۹/۲	۲۸/۷	آگاهی
۳/۱۰	۱۸/۴	۵۷/۶	۲۴	ارتقای مهارت
۳/۲۴	۱۹/۳	۵۹/۵	۲۱/۲	حقوق شهروندی
۳/۵۲	۱۸/۳	۴۹/۸	۳۱/۹	بسیج اجتماعی
۳/۳۱	۱۹/۵	۵۴	۲۶/۵	شاخص عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

همان طور که در این جدول دیده می شود، میانگین همه عوامل بالاتر از ۳ می باشد و مولفه بسیج اجتماعی بیشترین میانگین را (۳/۵۲) در بین چهار مولفه داراست - کمترین مقدار میانگین متعلق به مولفه ارتقای مهارت (۳/۱۰) می باشد. و در کل میانگین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ۳۱، ۳/ است که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می باشد، نشان می دهد که عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی تقریباً در حد مطلوب و بالاست.

اعتماد اجتماعی

برای سنجش مفهوم اعتماد اجتماعی از سه بعد یا مولفه (اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی) استفاده شده و سوالات هر مولفه بر اساس طیف لیکرت طراحی گردیده است.

جدول ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی

میانگین	میزان اعتماد			ابعاد اعتماد اجتماعی
	کم	متوسط	زیاد	
۳/۴۳	۱۷/۱	۳۵/۱	۴۷/۸	اعتماد بین فردی
۳/۲۳	۱۹/۴	۵۷/۲	۲۳/۴	اعتماد تعمیم یافته
۲/۹۸	۳۳/۴	۴۹/۱	۱۷/۵	اعتماد نهادی
۳/۲۱	۲۳/۳	۴۷/۱	۲۹/۶	مقیاس کل اعتماد اجتماعی

همان طور که در این جدول دیده می شود، بیشترین میزان اعتماد به ترتیب اعتماد بین فردی با میانگین ۳/۴۳ و اعتماد تعمیم یافته با میانگین ۳/۲۳ بوده است. هم چنین کمترین میزان اعتماد مربوط به مولفه اعتماد نهادی با میانگین ۲/۹۸ می باشد.

مشارکت اجتماعی

برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی از دو عامل مشارکت اجتماعی رسمی و مشارکت اجتماعی غیر رسمی استفاده شده که سوالات به صورت محقق ساخته بوده است.

جدول ۷: توزیع پاسخگویان بر حسب مقیاس های مشارکت اجتماعی

میانگین	میزان مشارکت			ابعاد مشارکت
	کم	متوسط	زیاد	
۲/۷۷	۲۷/۸	۴۷/۲	۲۵	مشارکت رسمی
۳/۶۷	۲۳/۵	۴۱/۷	۳۴/۸	مشارکت غیر رسمی
۳/۲۲	۲۵/۶	۴۴/۵	۲۹/۹	مقیاس کل مشارکت اجتماعی

جدول ۷، توزیع پاسخگویان را بر حسب شاخص یا مقیاس های نوع مشارکت اجتماعی نشان می دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، بیشترین مشارکت به ترتیب مشارکت غیر رسمی با میانگین (۳/۶۷) و همچنین کمترین میزان مشارکت، از آن مشارکت اجتماعی رسمی با میانگین (۲/۷۷) بوده است. در مجموع، میانگین اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ۳/۲۱ بوده که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می باشد، نشان می دهد که میزان اعتماد در بین پاسخگویان تقریباً در حد متوسط رو به بالاست.

تحلیل توزیع نرمال متغیرهای اصلی پژوهش

در استفاده از تکنیک های آماری، ابتدا باید مشخص کرد که داده های جمع آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیر نرمال؟ چون در صورت نرمال بودن توزیع داده های جمع آوری شده برای آزمون فرضیه ها می توان از آزمون های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمون های ناپارامتریک استفاده کرد. بنابراین با استفاده از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف- بعنوان نوعی از آزمون های آماری ناپارامتری، نمونه ای از اندازه های کمی در اختیار محقق است و می خواهد (برای بررسی اطمینان از نرمال بودن داده ها) تعیین کند که آیا این نمونه از جامعه ای با توزیع نرمال به دست آمده یا خیر؟ در واقع این آزمون، یک آزمون تطابق توزیع برای داده های کمی است و با استفاده از آن می توان تعیین کرد که آیا داده های نمونه از یک توزیع خاص (نرمال، یکنواخت، پواسون و نمایی) پیروی می کنند یا نه. بنابراین براساس پارامترهای

توزیع نرمال یعنی میانگین و انحراف معیار و همچنین برآورد حداکثر نهایت اختلافات اعم از مطلق، مثبت و منفی، می توان گفت:

فرض صفر، خطای بیشتر از ۰/۰۵: اگر در مقدار پارامتر ضریب معناداری یا معیار تصمیم، خطا بیشتر از ۰/۰۵ باشد، این امر نشان از پذیرش فرض صفر دارد؛ یعنی دلیلی برای رد این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال به دست آمده وجود ندارد و توزیع داده های متغیر مربوطه، نرمال است.

فرض یک، خطای کمتر از ۰/۰۵: اگر در مقدار پارامتر ضریب معناداری یا معیار تصمیم، خطا کمتر از ۰/۰۵ باشد، این امر نشان از پذیرش فرض یک دارد؛ یعنی دلیلی برای پذیرش این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال به دست آمده وجود ندارد و توزیع داده های متغیر مربوطه، غیر نرمال است.

جدول ۸: تحلیل توزیع نرمال متغیرهای اصلی بر مبنای آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه ای^۱

متغیرهای اصلی تحقیق		پایگاه خدمات اجتماعی	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
پارامترهای نرمال ^۲ a,b	میانگین ^۳	۳۱۹۴/۳	۲۱۱۱/۳	۲۲۸/۳	۷۲۳۴/۲
	انحراف معیار ^۴	۷۹۸۴۲/۰	۶۲۳۸۹/۰	۶۷۱۲۶/۰	۶۲۳۹۱/۰
حداکثر مقدار اختلاف ^۵ ها	مقدار مطلق ^۶	۰۷۲/۰	۰۶۷/۰	۰۸۷/۰	۰۸۱/۰
	مقدار مثبت ^۷	۰۳۹/۰	۰۸۴/۰	۰۶۳/۰	۰۶۱/۰
	مقدار منفی ^۸	-۰۷۴/۰	-۰۸۴/۰	-۰۸۹/۰	-۰۷۱/۰
مقدار آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف ^۹		۳۲۱/۰	۴۲۵/۰	۵۷۸/۰	۴۸۷/۰
سطح معناداری تقریبی (دو مقداری) ^{۱۰}		۰/۷۸	۰/۵۹	۰/۵۷	۰/۹۴
توزیع داده های آزمون، نرمال است a					
حساب شده از داده های آزمون b					

تفسیر آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه ای

در این تحقیق با توجه به مقدار پارامتر ضریب معناداری در ارتباط با داده های عددی مربوط به هر یک از متغیرهای کمی پیوسته، می توان گفت دلیلی برای رد این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال به دست آمده است، وجود ندارد (فرض صفر بیشتر از ۰/۰۵). به عبارت دیگر، داده های عددی مربوط به هر یک از

^۱ One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

^۲ Normal Parameters^{a,b}

^۳ Mean

^۴ Std. Deviation

^۵ Most Extreme Differences

^۶ Absolute

^۷ Positive

^۸ Negative

^۹ Kolmogorov-Smirnov Z

^{۱۰} Asymp. Sig. (۲-tailed)

متغیرها از هم‌قوارگی و توزیع نرمال برخوردار هستند. از آنجایی که مقدار معناداری کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، پس می‌توان بیان داشت که پراکندگی داده‌ها نرمال بوده و برای ارزیابی این موضوع از آماره‌های استنباطی پارامتریک استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

همانطور که داده‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری گزارش شده، بین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با مشارکت رابطه معناداری وجود دارد، اما بین سن و میزان مشارکت رابطه معناداری دیده نمی‌شود. سطح معناداری و ضرایب همبستگی هر یک از متغیرها در جدول فوق به تفکیک آمده است. نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که میان جنسیت (زنان و مردان) با مشارکت اجتماعی و دو بعد آن تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بنابراین مشارکت اجتماعی در هر دو جنس (مرد و زن) مورد مطالعه یکسان نیست و میانگین زنان بیشتر از مردان بوده است. همچنین نتایج تست لیون^۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری به دست آمده برابر است با ۰/۰۰۰. از آنجایی که این عدد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و با توجه به نتایج آزمون t در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، با درجه آزادی ۳۹۸ و $t: ۳/۹۳$ ، سطح معناداری به دست آمده برابر است با ۰/۰۰۰. به عبارت دیگر، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) تایید می‌شود.

جدول ۹: جدول آماره‌های توصیفی دو گروه مردان و زنان

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
مرد	۲۰۰	۴۵,۹۸	۸,۱۲۰	۳,۹۳۲	۳۹۸	۰,۰۰۰
زن	۲۰۰	۴۸,۲۸	۹,۹۴۱			

جدول ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون بین بیگانگی اجتماعی جوانان و صور مشارکت آنان

متغیر مستقل	ضرایب و سطح معناداری	مشارکت اجتماعی
عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۳۵***
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰
	نتیجه آزمون	تایید
سطح تحصیلات	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۴۳***

^۱ Levens Test

۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	
تایید	نتیجه آزمون	
۰/۲۷۸***	ضریب همبستگی پیرسون	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۶	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	
تایید	نتیجه آزمون	سن
***۰/۰۸۴	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۲۲۳	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
تایید	نتیجه آزمون	
۰/۱۷۳	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۹۰	تعداد	
تایید	نتیجه آزمون	

آزمون رگرسیون چندگانه

نتایج معادله رگرسیونی که متغیر میزان مشارکت اجتماعی متغیر وابسته آن و متغیرهای پایگاه خدمات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی می باشند در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱۱: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر مشارکت اجتماعی

مدل	R	R ^۲	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۰/۳۴۶	۱/۲۱۳۴۷

جدول ۱۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی

ضرایب	مجموع مجذورات	df	میانگین	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۹۷/۵۲۴	۴	۴۹/۳۸۱	۲۰/۳۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۹۵۴/۷۲۱	۳۹۴	۲/۴۲۳		
کل	۱۱۵۲/۲۴۵	۳۹۸	۰		

جدول ۱۳: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب غیر استاندارد		عنوان متغیر
		Beta	اشتباه استاندارد	
۰/۰۰۰	۱/۵۵۶	-	۲/۴۱	عدد ثابت (Constant)
۰/۰۰۰	۱/۸۳۵	۰/۴۳۷	۲۹۷/۰	پایگاه خدمات اجتماعی
۰/۰۰۰	۲/۷۰۰	۳۸۹/۰	۱۵۷/۰	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۱/۶۶۳	۰/۲۷۸	۰/۲۱۱	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۰/۲۱۴	۰/۱۵۸	۰/۰۴۳	۰/۰۸۲	سن

نتایج معادله رگرسیون با توجه به میزان F و سطح معناداری آن نشان می دهد که معادله رگرسیون معادله معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد. متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رابطه معناداری را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می دهد. میزان همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق که مشارکت اجتماعی است برابر با ۰/۶۲ درصد و ضریب تعیین برابر با ۰/۳۸ درصد است؛ یعنی ۰/۳۸ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می شود. از میان متغیرهایی که رابطه معنادار با متغیر وابسته دارند، بیشترین تاثیر مربوط به متغیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی می باشد و کمترین تاثیر مربوط به متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی است.

به این ترتیب معادله رگرسیونی پژوهش عبارت است از :

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4 + b_5x_5$$

اعتماد اجتماعی ۳۸۹٪ پایگاه خدمات ۴۳۷٪ + مقدار ثابت (۳,۷۵) = مشارکت اجتماعی سن ۰۴۳٪ + پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۲۷۸٪ +

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی جامعه شناختی تاثیر پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی بر مشارکت اجتماعی پاسخگویان منطقه دهوین است که در این مقاله ضمن ارائه یافته‌های پژوهش، به تبیین آنها پرداخته و در خاتمه در راستای نتایج به دست آمده پیشنهادات کاربردی و پژوهشی ارائه می شود.

فرضیه اول: بین ارتقای مهارت مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و مهارت مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی - دار تقریباً متوسطی وجود دارد؛ بدین معنی که با ارتقای مهارت مردم منطقه میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می یابد. این یافته‌ها با تحقیقات محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲)، همخوانی دارد.

فرضیه دوم: بین ارتقای آگاهی مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی آگاهی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی دار متوسطی وجود دارد؛ بدین معنی که با آگاهی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می یابد. این یافته‌ها با تحقیقات لیک و هاجفلد (۱۹۹۸) و یزدان پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد. بر اساس این نتایج می توان گفت که با مشارکت بیشتر مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین در نهادهای مردمی و سازمان بهزیستی، آنها نسبت به منافع خود آگاهی بیشتری می یابند، چرا که انجمن های مختلف در جهت منافع مردم و حمایت از آنها به وجود آمده اند و مشارکت در این انجمن ها می تواند بر میزان آگاهی افراد از منافعشان تاثیر گذار باشد.

فرضیه سوم: بین حقوق شهروندی مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه متوسط می باشد. بر اساس نتایج می توان گفت که مشارکت بیشتر شهروندان در انجمن ها و سازمان بهزیستی سبب می شود که افراد بیشتر به فکر منافعشان باشند و مطالباتشان را بیشتر پیگیری کنند. در این مورد می توان گفت که مطالبات جمعی را بیشتر می توان از طریق انجمن ها و سازمان بهزیستی - در مقایسه با پیگیری مطالبات شخصی - پیگیری کرد و از این رو، افزایش مشارکت اجتماعی می تواند موجب شود که حقوق شهروندی افراد توسعه بیابد و مطالبات مدنی بیشتری پیگیری شود.

فرضیه چهارم: بین بسیج اجتماعی مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و بسیج اجتماعی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. این یافته‌ها با یافته‌های لیک و هاچفلد (۱۹۹۸) و یزدان‌پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که همبستگی اجتماعی و وجود انسجام در محلات می‌تواند بر همکاری میان مردم تاثیرگذار باشد و این عامل به نوبه خود بر میزان مشارکت افراد بیفزاید. به نظر کولین، مشارکت وقتی معنای واقعی کامل خود را پیدا می‌کند که در سازوکارهای مرکزی حیات اجتماعی نفوذ کند و بر تنظیم کارکرد زندگی اجتماعی تاثیر بگذارد. بدون چنین عملکردی مشارکت نمی‌تواند بر نظام قدرت تاثیرگذار باشد و به نوعی قدرت تبدیل گردد.

فرضیه پنجم: بین مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت تفاوت معناداری معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت مقایسه‌ای پژوهش، از آزمون تی مستقل (t test) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی بین دو جنس متفاوت نیست. این یافته‌ها با یافته‌های زاهدی اصل (۱۳۷۷) همخوانی دارد و برخلاف یافته‌های محسنی (۱۳۸۲) و فرهادی (۱۳۸۵) می‌باشد.

فرضیه ششم: بین سن با مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و سن مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها با یافته‌های محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) و زاهدی اصل همخوانی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، بر میزان گرفتاری، مشغله و مشکلات مردم افزوده می‌شود و در عوض توانایی و انگیزه آنها برای انجام امور دیگر همچون مشارکت اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و کاهش می‌یابد. این امر در حالی است که جوانان، در قیاس با بزرگسالان انرژی، انگیزه و توانایی‌های بیشتری دارند، سطح تحصیلاتشان - معمولاً - بالاتر است و گرفتاری و مشکلات کمتری دارند و از این رو، بیشتر می‌توانند در امور مختلف مشارکت داشته باشند.

فرضیه هفتم: بین مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین بر حسب تحصیلات رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و میزان تحصیلات مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنی که با بالا رفتن تحصیلات مردم منطقه دهوین

شهرستان ورامین، مشارکت اجتماعی آنها افزایش می‌یابد و برعکس، هرچه تحصیلات مردم منطقه دهوین پایین تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد. این یافته‌ها با یافته‌های محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲)، تنی و هانکونیت (۲۰۱۲)، لرنر (۱۹۵۲) و یزدان پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

فرضیه هشتم: بین مشارکت اجتماعی برحسب وضعیت تاهل تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت مقایسه‌ای پژوهش، از آزمون تی مستقل (t test) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی بین افراد مجرد و متأهل متفاوت است. در این زمینه میانگین مشارکت اجتماعی افراد مجرد منطقه دهوین شهرستان ورامین، از افراد متأهل بیشتر است. این یافته‌ها برخلاف یافته‌های زاهدی اصل (۱۳۷۷) می‌باشد که در پژوهشی نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی در بین افراد مجرد و متأهل برابر است. در این رابطه می‌توان گفت که افراد متأهل معمولاً گرفتاری و مشکلات شخصی بیشتری نسبت به افراد مجرد دارند. معمولاً آنها بیشتر به خانواده، شغل و مشکلات شخصی و زندگی زناشویی خود توجه بیشتری دارند و از این‌رو، میزان مشارکت اجتماعی آنان پایین تر است. این در حالی است که افراد مجرد، دغدغه و مشکلات کمتری دارند و از این رو، بیشتر می‌توانند در انجمن‌ها، نهادها و امور مختلف مشارکت و همکاری داشته باشند.

فرضیه نهم: بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و درآمد مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی‌دار نسبتاً قوی وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش درآمد، مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین افزایش می‌یابد و با کاهش درآمد، مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین کاهش پیدا می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های تنی و هانکونیت (۲۰۱۲) و محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) همخوانی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان استدلال کرد که افراد دارای درآمد بالاتر نسبت به افراد دارای درآمد کمتر، بیشتر از آنکه به فکر درآمد باشند، به دنبال کسب سرمایه فرهنگی هستند تا از این طریق بر شهرت و اعتبار خود بیفزایند. الموند و پاول در این باره بر این باورند که منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند می‌تواند آنها را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند. در نتیجه این بررسی‌ها شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند. کوئن در مورد تاثیر طبقه اجتماعی افراد بر مشارکت

اجتماعی معتقد است معمولاً هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیری در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر است. به نظر وی، سطح مشارکت فعال در باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های شهری، انجمن‌های خانه و مدرسه و سازمان‌های سیاسی در میان اعضای طبقات پایین‌تر است.

پیشنادهای پژوهش

در پایان باتوجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

- دولت از طریق سازمان بهزیستی مردم را در برنامه‌ها، طرح‌ها و امور مختلف مشارکت بدهد و با انتقال قدرت تصمیم‌گیری به بخش‌های کوچکتر (مثل اداره منطقه) به نوعی مردم را در فرایند تصمیم‌گیری شریک گرداند تا بدین طریق از کمک مردم و بسیج آنها بخوبی استفاده گردد.
- سازمان بهزیستی دلایل مشارکت کمتر قشرهایی از قبیل افراد متاهل، دارای تحصیلات و درآمد کمتر و با سن بالاتر را بررسی کند تا با فراهم آوردن زمینه شرکت آنان در سازمان و انجمن‌های وابسته بتوانند از حقوق اجتماعی، شهروندی و غیره خود بهتر دفاع کنند. همچنین، سازمان بهزیستی به اقشار آسیب‌پذیرتر کمک نماید تا بیشتر در جریان امور مشارکت نمایند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان
- اسدالهی، ر.؛ حسین‌زاده، ع.؛ محسنی‌تبریزی، ع. و نبوی، ح. (۱۳۹۲). «سبک زندگی شهری و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند اهوازی؛ یک پیمایش منطقه‌ای». مجله جامعه‌شناسی کاربردی. ش ۱، ص ۱-۱۶
- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید
- انعام، راحله. (۱۳۸۰). «بررسی اعتماد بین شخصی در میان روستاییان شهریار». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی. تهران: کیهان
- پاتنام، رابرت؛ لئوناردی، روبرت و نانتی، رافائلا. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی: تجربه ایتالیا و درس هایی برای کشورهای در حال گذر. محمد تقی دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام
- پناهی، م. و دهقانی، ح. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی. ش ۴۷(۳)، ص ۵۰-۸۰.
- پناهی، م. و یزدان‌پناه، ل. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی. ش ۲۶، ص ۶۹-۱۰۷.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک (رابطه آسیب ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۵). «مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه». اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره‌ی ۱۰۹.
- روشه، گی. (۱۳۷۷). تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی. تهران: نشر نی
- ریتز، جرج. (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی. غلامرضا غفاری. چاپ دوم، تهران: انتشارات شیرازه
- سروش، م. و افراسیابی، ح. (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز». دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. ش ۵، ص ۱۲۳-۱۵۵.

- شارع پور، محمود. (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». نامه انجمن جامعه شناسی. سال اول، شماره ۱.
- عطافر، ع؛ سهرابی رنانی، م. و صادقزاده تبریزی، م. (۱۳۹۲). «نقش مهارت های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران در ارتقای سطح بهره وری مدارس (با استفاده از سنجش مشارکت اجتماعی دانش آموزان)». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. ش ۲۱ (۲) ص ۹۹-۱۲۸.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک
- کرایب، یان. (۱۳۸۰). نظریه های مدرن جامعه شناسی از پارسونز تا هابرماس. محبوبه مهاجر. تهران: سروش
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیت. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۳). «بحران محیط زیست و توسعه همه جانبه و پایدار». مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران. تهران: انجمن جامعه شناسی ایران و آگه.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۹۰). بررسی برخی از ابعاد مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات آرون
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰). «بیگانگی، مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی». نامه علوم اجتماعی. ش ۲، ص ۲۵-۷۲.
- مظلوم خراسانی، م؛ نوغانی، م. و خلیفه، م. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷». جامعه‌شناسی کاربردی. ش ۴۵ (۱)، ص ۵۰-۸۰.
- نوابخش، م؛ رضایی، م. و رحیمی، م. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام)». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری. ش ۱۰، ص ۱-۲۷.
- نوذری، حسین علی. (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس. تهران: نشر چشمه
- نوروزی، فیض‌اله و بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». فصلنامه راهبرد. سال هجدهم، شماره ۵۳، زمستان ۸۸.

- Al.Mizjaji, Almad Dawood. (۲۰۰۱). **“Public Apathy Towards Bureaucracy As a Constraint On The Development Of Saudi Arabia”**. Public Administration Quarterly, ۲۵.۳/۴,ABI/Inform Global. P: ۲۷۰.
- Almond , Gobriel. (۱۹۹۵). **The civic culture**. Boston: Little brown company
- Field , john. (۲۰۰۳). **Social capital**. Routledge: london and newyork, p ۱۱-۲۹.
- Keyes , C .L . M. (۲۰۰۴). **Complete mental health: an agenda for the ۲۱ centry**. Washington.
- Letki, Natalia. (۲۰۰۳). **“Explaining political participation in east-central Europe: social capital, democracy and the communist past”**.
- Lipset,Seymour Martin. (۱۹۶۳). **Political Man The Social Bases of Politics**. Anchor Books,New York
- Roiste, A. Kelly, C. Molcho, M. Gavin, A. and Gabhainn, S.N. (۲۰۱۲). **“Is School Participation Good for Children? Associations with Health and Wellbeing”**. Health Ed, ۱۱۲(۲): ۸۸-۱۰۴.
- Sztompka, P. (۱۹۹۹). **Trust: A sociological theory**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Teney, C. and Hanquinet, L. (۲۰۱۲). **“High Political Participation, High Social Capital? A Relational Analysis of Youth Social Capital and Political Participation”**. Social ScienceResearch, ۴۱(۵):۱۲۱۳-۱۲۲۶.
- Van, Snippenburg, Leo, B. & Peer, Scheepers. (۱۹۹۱). **“Social Class and Plitical Behavior During a Period of Economic Stagnation: Apathy and Radicalism in the Netherland,۱۹۸۵”**. Political Psychology. Vol ۱۲. No ۱.

A Sociological Study on Social Service Centers Performance on Social participation (Case Study: Varamin)

Masoud Darabi

Ph.D., Assistant Professor, Malek-Ashtar University Of Technology, Tehran, Iran

Naser Rezapour

Ph.D. Student in Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Soheil Moses Rezaei

Master Degree in Sociology, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin

Received: ۲۱ Nov. ۲۰۱۸

Accepted: ۱۳ Jan. ۲۰۱۹

Social engagement (also known as social participation) is an important topic in different areas of social and political sciences. As a group with notable influence, individuals in today's world play a remarkable role in making political, social, and cultural decisions. A number of factors can contribute to increased participation. These include the role and performance of social service centers (SSCs) run by the Welfare Organization. SSCs are public or non-governmental centers located within communities to take actions required in providing such services. The goal is to support vulnerable individuals or those suffering from social problems, including vulnerable women and girls, female heads of households, couples applying for divorce or lacking life skills, street children, children at work, poorly cared-for children, orphans, children who lack access to education, children in divorced families, children with addicted parents and all children who need support or any individual facing personal, family, or social crises.

A survey was conducted using a valid and reliable questionnaire for collecting data. The statistical population consisted of individuals of ۱۸ years of age or older living in the two districts of Varamin in ۲۰۱۵. A sample of ۴۰۰ individuals was prepared using Cochran's sample size formula and cluster multistage sampling. The data were analyzed primarily through regression and path analysis.

The findings indicated an average social participation score of ۳/۲۱ in the area studied here, and given the maximum and minimum scores (۵ and ۱),

respectively) people living in this area have an average-to-upper level of participation. The average performance score for SSCs in the area was ۳/۳۱ (max = ۵, min = ۱) indicating a generally acceptable level of performance. In addition, a significant relationship was found between social engagement and SSC variables, social trust, socioeconomic status, gender, income, education, and type of employment, while age and marital status were not connected to social engagement. The strongest relation was found between SSCs and the dependent variable. Four variables, i.e. SSC, social trust, socioeconomic status, and age were included in a regression equation which gave a coefficient of determination of ۰,۳۸۷. Therefore, these variables explain over ۳۸ percent of variations in the dependent variable.

Key Words: Social Participation, Performance of Social Service Centers, Social Trust and Socioeconomic Status